

## گذر از فرهنگ جهالت و لجاجت به فرهنگ انتقادرگرای و اشتباه پذیری

محمد اکرام اندیشمند  
18-11-2013

احتراز از انتقادرگرای و اشتباه پذیری در مباحث بر سر مسایل مختلس سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، دینی و مذهبی در افغانستان میان افراد جامعه با گرایش های مختلس فکری و تعلقات متنوع اتنیکی و وابستگی های گوناگون سیاسی و مذهبی یک فرهنگ متدوال است. این ذهنیت و فرهنگ چه در دنیای حقیقی میان روشنفکران، نخبگان، فعالان عرصه سیاست و گروه های سیاسی و مذهبی جامعه و چه در شبکه های اجتماعی دنیای مجازی عمومیت دارد. هر فرد و شاید بتوان گفت هر حلقه و گروه کوچک و یا بزرگ هم اندیش سیاسی و اجتماعی، بر درستی و حقانیت تحلیل، تفسیر، قرائت و برداشت خود از مسایل مورد بحث پا می فشارند و به ندرت حاضر می شوند تا به اشتباه خود در این برداشت و تحلیل اذعان کنند. حتی این افراد و گروه ها، پذیرش اشتباه را در تفکر و برداشت خود نوعی از بی غیرتی تلقی می دارند و از رویکرد معطوف به نگرش انتقادی در اندیشه و دیدگاه خود احساس سرخوردگی و کمی در منزلت اجتماعی و سیاسی خویش می کنند.

البته میزان نگرش جزمی و تلقی غیر منعطس در باورها، برداشت ها و دیدگاه ها بر سر مسایل متعدد سیاسی و اجتماعی میان افراد و گروه های مختلس سیاسی جامعه علی رغم گستردگی آن، متفاوت است. اگر این تفاوت در میان حلقه ها و گروه های مختلس فکری و سیاسی مورد ارزیابی قرار گیرد، افراد و گروه های افراطی آیدئولوژیک بیشتر از همه حامل و اسیر این ذهنیت هستند. از این رو گروه طالبان و گروه های مشابه افراط گرا و تکفیری در کشورهای چون پاکستان، تفکر و برداشت خود را در تمام مسایل سیاسی و اجتماعی منطبق بر شریعت اسلامی و کاملاً درست و برحق تلقی می کنند. آنها در واقع تصور و دریافت خود را از دین و شریعت به عنوان یگانه حقیقت مطلق دینی و شرعی ارائه می کنند. آنها رفتار خشونتگرایانه و کینه توزانه ی خود را تا توسل به عملیات انتحاری و ذبح گوسفند وار انسانها نه تنها در جنگ با مخالفان و دشمنان خود، حتی در برابر افراد عادی جامعه، همسو و منطبق با آن تصورات و یافته های شرعی می پندارند. این چنین افراد و گروه ها نه تنها با فرهنگ و بینش انتقادرگرای و اشتباه پذیری بیگانه هستند، بلکه بریدن زبان منتقدین خود را جایز و ریختن خون آنها را مباح و حتی ثواب تلقی می کنند.

نکته ی بسیار تأسس بار این است که ذهنیت و فرهنگِ اشتباه ناپذیری و انتقاد ناباوری آنگونه که در بالا اشاره شد، ذهنیت و فرهنگ تقریباً عمومی را در میان طیس های مختلس فکری و سیاسی جامعه تشکیل میدهد. این فرهنگ را بصورت آشکار میتوان میان افراد و گروه های مختلس جامعه ی سیاسی افغانستان چه در داخل و چه در خارج مشاهده کرد. نه تنها در بحث ها و گفتگو های متنوع سیاسی و غیر سیاسی، افراد و گروه های متعدد با تعلقات مختلس سیاسی، قومی، زبانی، مذهبی و غیره، از دیدگاه نادرست و اشتباه آمیز خود صرف نظر نمی کنند و حقانیت موضوع مورد بحث را از زبان طرف دیگر نمی پذیرند، بلکه به اشتباهات اندیشه و رفتار گذشته ی خویش و گروه آیدئولوژیک و سیاسی مورد نظر و حمایت خود اذعان نمی کنند.

من گاهی در دنیای مجازی، نظریات و دیدگاه هایی را از آدرس اسلام به عنوان یک امر مشروع و یا نامشروع می خوانم که بسیار شگفت آور و در مواردی، بسیار خطرناک و نگران کننده است. شگفت آور و خطرناک آن است که اینگونه آدم ها، تصویر و برداشت خود را در مسایل مختلفی که آنها از زاویه ی دینی و مذهبی به تفسیر و تحلیل می گیرند، حقیقت دین معرفی میکنند. و در فضای این پندار و توهم، با هرگونه تفسیر و تحلیل دیگر هر چند در استناد با منابع دینی مخالفت و مخاصمت می ورزند.

دوهفته قبل که شماری از زنان عربستان سعودی برای عبور از ممانعت رانندگی زنان پشت فرمان موترها نشستند و در جاده های ریاض به رانندگی پرداختند، یکی از هموطنان در فیسبوک خود نوشت که در اسلام عزیز رانندگی زنان به خاطر رعایت حجاب اسلامی حرام است. وقتی در بحث بر سر این موضع برایش نگاشتم که جمعیت مسلمانان جهان به یک میلیارد سیصد هزار نفر میرسد که در پنج قاره دنیا زندگی می کنند. از میان 57 کشور اسلامی دنیا که عضو کنفرانس کشورهای اسلامی هستند، تنها عربستان سعودی به زنان حق رانندگی نمیدهد؛ در حالی که سایر کشورهای اسلامی و جوامع مسلمانان رانندگی زنان را حرام تلقی نمی کنند. ده ها هزار و شاید صد ها هزار زن و شمار زیادی از آنها با داشتن حجاب در شهر های چون: قاهره، جاکاراتا، کوالالامپور، تهران، بغداد، الجزیره، رباط، تونس، دمشق، دوبی، خرطوم، کراچی، لاهور، دهلی، انقره، استانبول، و سایر شهرهای که مسلمانان اقامت دارند، رانندگی می کنند. وقتی برایش نوشتم که شما با این فتوا که اسلام عزیز رانندگی را برای زنان مسلمان حرام میداند، زندگی را در شهرها به این جمعیت عظیم و عزیز مسلمانان نا عزیز نسازید، در پاسخ نوشت که اگر رانندگی برای زنان حرام نیست، یک آیتی از قرآن و یا حدیثی از پیغمبر اسلام(ص) بیاورید که رانندگی را به زنان حلال و مشروع گفته باشد. در حالی که آن شخص به خوبی میداند که پدیده ی موتر و رانندگی به بیشتر از یک قرن قبل بر نمیگردد.

تأکید و اصرار بر درستی و حقانیت یک اندیشه و باور با برداشت و تحلیل های مبتنی بر آن در مسایل و مباحث مختلس سیاسی و اجتماعی، ناشی از تسلط فرهنگ عقب مانده، نابرده بار، خردستیز و هنجار گریز است که آنها میتوان فرهنگ

جهالت و لجاجت نامید؛ فرهنگی که ریشه در افکار و عنعنات بدوی دارد. پرهیز از نقدگرایی و اشتباه پذیری و پافشاری بر حقانیت و سلامت افکار ناسالم و رفتار نادرست و مجرمانه ناشی از چنین فرهنگ عقب مانده و بدوی است. فرهنگ جهالت و لجاجت با خردگرایی و عقلانیت سر ناسازگاری دارد. بجای مدارا و تسامح، ستیزه جویی و خشونت پروری را ترغیب و ترویج می کند و بجای ایجاد ذهنیت بازنگری در تفکر و رفتار آدم ها، انتقام جویی، کینه توزی، تمامیت خواهی، تکبر و بیداد گری را در وجود آنها می پروراند.

"جورج فریدمن" (متولد سال 1949) نویسنده و استاد علوم سیاسی در امریکا و مسئول مرکز استراتژیک استراتفور در این کشور این بینش را در فرهنگ یک جامعه، "فرهنگ بربریت" می نامد که به باور او این حالت در انعکاس مراحل یک فرهنگ، نخستین حالت است. وی در مورد ویژگی این فرهنگ و باور های که فرهنگ بربریت را شکل میدهد می گوید که بربرها به این باور هستند که قانون (سنت ها و رواج های متدوال نامکتوب در میان آنها) روستای محل زندگی شان قانون برحق است. آنها مخالفت با قانون و یا راه و روش خود را نادرست و قابل نکوهش میدانند و با این باور، تحمیل فرهنگ خود را بر دیگران به عنوان حقیقت یک امر طبیعی و الزامی می پندارند.

عبور از فرهنگ جهالت و لجاجت به فرهنگ انتقاد گرایی و اشتباه پذیری، یکی از نیاز مندیهای جامعه ی ما در گذر از بحران سیاسی و اجتماعی به توسعه و ثبات است. گذر مؤفّقانه در این روند بستگی به افکار، اراده و رفتار مدنی روشنفکران، نخبگان، فعالان و دست اندرکاران عرصه ی اندیشه و سیاست دارد که در جهت خشکاندن ریشه های فرهنگ جهالت و لجاجت، به رشد و انکشاف فرهنگ انتقاد گرایی و اشتباه پذیری توجه کنند. بازتاب تفکر و رفتار آنها در عرصه ی فعالیت های سیاسی و اجتماعی، از نگارش تا گفتگو در رسانه های همگانی، در جهت تقویت و رشد فرهنگ انتقاد گرایی و اشتباه پذیری، نکته ی آغاز این توجه است.